

مسیح و فرهنگ

اچ. ریچارد نیبور

ترجمه محسن بدره و روح الله گل مرادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسیح و فرهنگ

اچ. ریچارد نیبور

ترجمه:

محسن بدره

عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء

روح الله گلمرادی



پنجاه و دومین سالگرد تأسیس

مسیح و فرهنگ

نشانی

اچ. ریچارد نیبور

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

مترجمان: محسن بدره و روح الله گلمرادی

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناشر

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳ - ۲۵۰

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

تهیه

مواکز پخش

پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴ - ۲۵۰

سروراستار

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران،

محمدباقر انصاری

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

لینتوگرافی، چاپ و صحافی

۰۲۱ - ۶۶۹۵۱۵۳۴

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

شمارگان: ۳۵۰

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

مرجع بهای کتاب: وبگاه رسمی نشر پژوهشگاه

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajooahaan.ir

علوم و فرهنگ اسلامی

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

عنوان: ۷۳۳؛ مسلسل: ۱۱۲۳

سرشناسه:

نیبور، هلموت ریچارد، ۱۸۹۴-۱۹۶۲ م.

عنوان نام پدیدآور:

مسیح و فرهنگ/ اچ. ریچارد نیبور؛ ترجمه محسن بدره، روح الله گلمرادی؛ تهیه

پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری:

ص ۴۲۸

شابک:

978-600-195-776-5

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

موضوع:

مسیحیت و فرهنگ

شناسه افزوده:

بدره، محسن، ۱۳۶۵ -، مترجم

شناسه افزوده:

گلمرادی، روح الله، ۱۳۶۹ -، مترجم

شناسه افزوده:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی. پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

رده بندی کنگره:

BR ۱۱۵

رده بندی دیویی:

۲۶۱

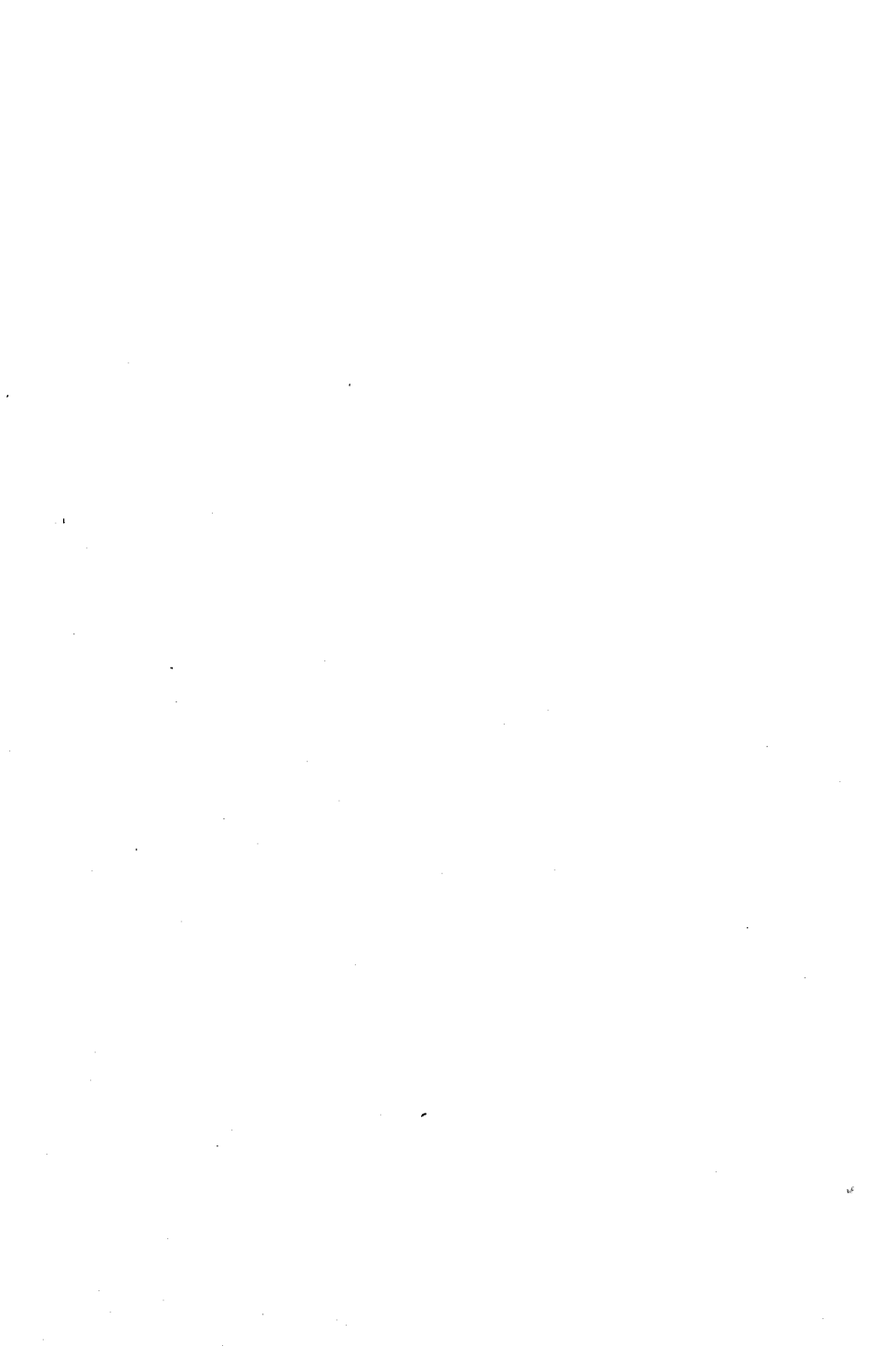
شماره کتابشناسی ملی:

۸۷۶۵۴۴۹

تقدیم بہ ربی

ایسہ ترجمہ راتقدیم می کنیم بہ:

عیسیٰ مسیح علیہ السلام



فهرست مطالب

۱۱	سخنی با خواننده.....
۱۵	نشر نوشت.....
۱۷	سپاسگزاری.....
۲۱	پیشگفتار.....
۳۳	مقدمه: تحلیلی از جگزارانه.....
۵۵	درآمد.....
۵۵	۱. گونه‌های اخلاق مسیحی.....
۵۷	۲. راه‌های بسیار گونه‌بندی اخلاق مسیحی.....
۶۰	۳. گونه‌های الهیاتی اخلاق مسیحی.....
۶۳	۴. گونه قانون جدید [مسیح علیه فرهنگ].....
۶۶	۵. گونه قانون طبیعی [مسیح فرهنگ؛ گونه همسازگرا].....
۷۰	۶. گونه‌های میانه.....
۷۲	(۱) گونه عمارتی [مسیح فراتر از فرهنگ].....
۷۳	(۲) گونه نوسانی [مسیح و فرهنگ در تناقض].....

۳) گونه تشرف‌گرا [مسیح فرهنگ را دگرگون می‌کند]..... ۷۵

فصل یکم: مسئله ماندگار

۱. مسئله..... ۷۹
۲. به سوی تعریفی از مسیح..... ۹۱
۳. به سوی تعریفی از فرهنگ..... ۱۱۴
۴. پاسخ‌های نوعی..... ۱۲۶

فصل دوم: مسیح علیه فرهنگ

۱. مردمان جدید و «جهان»..... ۱۳۳
۲. رد فرهنگ از سوی تولستوی..... ۱۴۶
۳. یک موقف ضروری و ناکافی..... ۱۵۸
۴. مسائل الهیاتی..... ۱۷۰

فصل سوم: مسیح فرهنگ

۱. همسازی با فرهنگ در فلسفه ادریه و آبلار..... ۱۷۹
۲. فرهنگ - پروتستان‌تیسیم و آلبرت ریتشل..... ۱۸۹
۳. در دفاع از ایمان فرهنگی..... ۲۰۲
۴. ایرادهای الهیاتی..... ۲۱۰

فصل چهارم: مسیح بالاتر از فرهنگ

۱. کلیسای مرکز..... ۲۱۹
۲. ترکیب مسیح و فرهنگ..... ۲۲۴

۲۵۱	۳. گونه ترکیب، زیر سؤال
-----	-------------------------

فصل پنجم: مسیح و فرهنگ در تعارض

۲۶۱	۱. الهیات ثنوی ها
۲۷۳	۲. درون مایه ثنوی پولس و مرقیون
۲۸۷	۳. ثنویتِ لوتر و دوران مدرن
۳۰۶	۴. فضایل و رذایل ثنویت

فصل ششم: مسیح، دگرگون کننده فرهنگ

۳۱۳	۱. اعتقادات الهیاتی
۳۲۰	۲. درون مایه تشرّف در انجیل چهارم
۳۳۳	۳. آگوستین و تشرّف فرهنگ
۳۴۹	۴. دیدگاه های ف. د. مورس

فصل هفتم: یک ضمیمه استنتاجی نابسنده

۳۶۵	۱. نتیجه گیری از رهگذر تصمیم
۳۷۰	۲. نسبی گرایی ایمان
۳۷۸	۳. اگزستانسیالیسم اجتماعی
۳۸۹	۴. آزادی در عین وابستگی

نمایه ها

۳۹۹	موضوعات
-----	---------

۴۲۱.....اعلام و مشاهیر

۴۲۶.....مکان‌ها

۴۲۷.....کتاب‌ها و مقالات

سخنی با خواننده

اولین بار آشنایی من با کتاب مسیح و فرهنگ ریچارد نیبور در دانشگاه UVA بود که پروفیسور لری بوشارد (Larry Bouchard) در گفتگوی دو نفره در مورد رودولف بولتمان و مسئله دین و فرهنگ در مسیحیت به من معرفی کردند. این کتاب یکی از کتاب‌های بالینی من بود که بعد از بازگشت به ایران، نخست گزارشی از آن را در مجله آینه پژوهش منتشر کردم و سپس آن گزارش را در فصل نهم کتاب کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن (الهیات و فرهنگ، مروری بر تطورات فکری الهی‌دانان مسیحی در مطالعات فرهنگی) گنجاندم و سپس در مشورتی با برخی از دوستان و استادان از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدتقی سبحانی درباره ترجمه کل کتاب، تصمیم گرفتیم ترجمه این اثر را به جناب آقای دکتر محسن بدره واگذار کنیم.

این کتاب حاصل سخنرانی‌های پروفیسور اچ. ریچارد نیبور (۱۸۹۴-۱۹۶۲) در ژانویه سال ۱۹۴۹ در بنیاد فارغ‌التحصیلان مدرسه علوم دینی مشایخی^۱ اوستین است. ریچارد نیبور یکی از مهم‌ترین اخلاق‌گرایان الهیاتی مسیحی سده بیستم آمریکا به شمار می‌رود و از آموزه‌های مهم او حاکمیت و قدرت مطلق خداوند و

نسبیت تاریخی است؛ به بیان دیگر خداوند مطلق و متعالی است، ولی انسان‌ها بخشی از سیلان جهان‌اند. از این نویسنده سرچشمه‌های اجتماعی فرقه‌گرایی (۱۹۲۹)، پادشاهی خداوند در آمریکا (۱۹۳۷)، معنای وحی (۱۹۴۱)، مسیح و فرهنگ (۱۹۵۱)، هدف کلیسا و روحانیونش (۱۹۵۶)، یگانه‌پرستی تمام‌عیار و فرهنگ غربی (۱۹۶۰)، خودِ مسئول (۱۹۶۳) و ایمان روی زمین: کاوشی در ساختار ایمان انسانی (۱۹۸۹) منتشر شده است.

مهم‌ترین اثر نیبور مسیح و فرهنگ است و عمده شهرت او نیز به همین این کتاب است. نیبور در این اثر بحثی چندجانبه درباره نسب مسیحیت و فرهنگ را مطرح می‌کند و با این ملاحظه که مسئله مسیحیت و تمدن و فرهنگ همیشه وجود داشته و سرگشتگی مسیحیان در این زمینه همیشگی بوده است، می‌گوید باید گفتگویی بی‌انتهای در وجدان و جامعه مسیحی در باب این دو واقعیت پیچیده (مسیح و فرهنگ) شکل بگیرد. او پاسخ‌هایی را که در طول تاریخ مسیحیت به این مسئله داده شده، به تفصیل مطالعه کرده و در قالب پنج پاسخ آنها را دسته‌بندی می‌کند: (۱) مسیح علیه فرهنگ؛ (۲) مسیح فرهنگ؛ (۳) مسیح بالاتر از فرهنگ؛ (۴) مسیح و فرهنگ در تعارض؛ (۵) مسیح دگرگون‌کننده فرهنگ.

هرچند این کتاب به رابطه دین و فرهنگ در مسیحیت اختصاص دارد، باید گفت تئوری نیبور در بیان الگوهای چندگانه در نسبت مسیحیت و فرهنگ، قابلیت طرح و گفتگو در باب «فرهنگ و اسلام» را نیز دارد. نسبت اسلام و فرهنگ در یک بستر تاریخی ممکن است اسلام را علیه فرهنگی (مثل فرهنگ جاهلی) بشوراند، در بستری دیگر و شرایطی متفاوت ممکن دین را صبغه فرهنگی بدهد و آن را به موجب دینداری‌های ضعیف مغلوب فرهنگ پیرامونی بکند و در شرایط تاریخی و جغرافیایی دیگر در روابطی دیالکتیک (گاه از موضع برتر نسبت به

فرهنگ، گاه در تضاد و تنش با فرهنگ و گاه در نقش تغییردهندگی فرهنگ)، در شرایط ضعف و قوت ممکن است حالت قبض و بسط به خود بگیرد.

مبنای نیسور در این کتاب و تأکید ایشان بر «تغییردهندگی یا دگرگون‌کنندگی» (transforming) مسیح در مواجهه با فرهنگ، مبنایی الهیاتی و بنیادی متفاوت در نسبت دین و دنیا، دین و سیاست، دین و فرهنگ و دین و تمدن است. این مبنا در روابط دوگانه دین و دنیا و دین و پدیده‌های این جهانی اصالت را به دین می‌دهد و راه را برای سکولارشدن و عرفی کردن دین سخت و دشوار می‌کند. بدون شک مطالعه این کتاب، ادبیات مربوط به الهیات و فرهنگ و رویکرد الهیاتی به مقولات اجتماعی از جمله فرهنگ را در ایران بسط خواهد داد و چشم‌انداز متفاوتی را به روی پژوهش‌های مربوط به «الهیات فرهنگ» خواهد گشود.

در شکل‌گیری ترجمه کتاب و سرعت و دقت در آن، دکتر بدره و همکار ایشان آقای روح‌الله گلمرادی اهتمام وافری داشتند. علاوه بر دکتر بدره و جناب گلمرادی، حجت‌الاسلام آقای علی جعفری (مدیر وقت گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی) دکتر محسن بدره را برای برگرداندن این اثر به زبان فارسی معرفی کردند. در ارزیابی و مقابله متن استاد سید محمود موسوی متأملانه و با دقت متن ترجمه را خواندند و نکات سازنده و ارزنده‌ای را گوشزد نمودند که رفع آنها بر رسایی و روانی متن افزود.

در پیگیری کار و اتمام به موقع آن نیز آقایان دکتر مهدی مولایی (مدیر کنونی مطالعات فرهنگی و اجتماعی)، دکتر سید محمد کاظمی (رئیس اداره پیشین پژوهش)، محمد حسن ترابی (رئیس کنونی اداره پژوهش) و حجت‌الاسلام آقای محمد حسین هاشمی (کارشناس گروه تمدن در پژوهشکده) سهم تعیین‌کننده‌ای

داشتند. ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر نجف لک زایی و معاون محترم پژوهش پژوهشگاه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر یعقوب نژاد و همین طور دکتر محمد باقر انصاری رئیس محترم اداره نشر و همکاران ایشان همه در تسهیل فرایند نشر نقش آفرین بودند و اگر نبود همکاری و مساعدت همکاران و دوستان در پژوهشگاه، این کتاب به مرحله چاپ نمی رسید و دست مخاطب ایرانی سال های سال از آن دور می ماند.

حبيب الله بابائي

مدیر پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی

نشرنوشته

این کتاب طبع مبسوط سلسله‌ای از سخنرانی‌های پروفسور اچ ریچارد نیبور است که در ژانویه ۱۹۴۹ میلادی در مدرسه علوم دینی مشایخی^۱ اوستین در بنیاد فارغ‌التحصیلان ایراد شده است. این سخنرانی‌ها در سال ۱۹۴۵ آغاز شد. از آن زمان تا کنون این مدرسه علوم دینی توانسته است در گردهمایی‌های اواسط زمستان، تأملات اندیشمندان برجسته مسیحی در موضوعات مهم را در اختیار دانشجویان و فارغ‌التحصیلانش قرار دهد و تا اندازه‌ای انتشار این تأملات را برای استفاده مخاطبان گسترده‌تری تسهیل کند. سخنرانان و موضوعاتشان از این قرار بوده است:

۱. ارنست تریس تامپسون؛^۲ «مبانی مسیحی نظم جهانی»؛ ۱۹۴۵.

۲. جوزف لاکل هرودادکا؛^۳ «کلیسا بر سر دوراهی»؛ ۱۹۴۶.

۳. پاول شیرر؛^۴ «مخمصه آزادی»؛ ۱۹۴۷.

1. Presbyterian.

2. Ernest Trice Thompson.

3. Joseph Lukl Hormadka.

4. Paul Scherer.

۴. دی التون ترولود؛^۱ «بدیل یهودگی»؛ ۱۹۴۸.
 ۵. اچ ریچارد نیبور؛^۲ «مسیح و فرهنگ»؛ ۱۹۴۹.
 ۶. پاول ماینیر؛^۳ «ملکوت^۴ و قدرت»؛ ۱۹۵۰.
 ۷. جی ارنست رایت؛^۵ «خدای کنشگر»؛ ۱۹۵۱.
- دکتر نیبور سهم ویژه‌ای در این مطالعه روشن و نافذ در اخلاق مسیحی دارند.
دیویس ال استیت^۶ رئیس مدرسه علوم دینی مشایخی اوستین، اوستین،
تگزاس

1. D. Eltom Trueblood.

2. H. Richard Niebuhr.

3. Paul Minear.

4. The Kingdom.

5. G. Ernest Wright.

6. David L. Stitt.

سیاسگزاری

نوشتار پیش رو درباره کشمکش توأم کلیسا با خدای خود و با جامعه فرهنگی ای است که در همزی‌گری با آن روزگار سپری می‌کند و بخشی از نتایج سال‌ها مطالعه، تأمل و آموزش را باز می‌نماید. سازماندهی و تألیف نوشتاری این محتوا بی‌واسطه با دعوت مدرسه علوم دینی مشایخی اوستین برای ایراد و انتشار سلسله‌ای از سخنرانی‌ها در این موضوع صورت گرفته است. پشت سر تلاش‌های من برای چگالیدن آرا و تأملاتم در پنج سخنرانی و سپس پالایش و تفصیل آنها در بازبینی‌های بعدی، زحمات بسیاری برای تجمیع و ادراک و سازماندهی داده‌های پیچیده نهفته است. نیای مستقیم سخنرانی‌هایم در اوستین، دوره‌هایی بود که در تاریخ و گونه‌های اخلاق مسیحی برای دانشجویان مدرسه الوهیت^۱ در دانشگاه ییل برگزار کردم.

تمهید و آماده‌سازی این اثر بسیار طولانی بوده و دین‌های انباشته‌شده مؤلفش آن قدر زیاد است که اقبال عمومی از آن مایه شرمساری می‌شود؛ زیرا چنین اثری ناگزیر قدرشناسی ناکافی مؤلفش را بر ملا می‌کند و همچنین عجز از به‌جا آوردن موهبت‌های اعطاشده به وی را نشان می‌دهد. در این کتاب تأملاتی هست که من

آنها را ثمره تلاش‌های خودم به شمار می‌آورم؛ ولی این تأملات درواقع اندیشه‌هایی هستند که من آنها را از دیگران اقتباس کرده و پرورانده‌ام. برخی از دانشجویان سابق من که ای بسا در حال خواندن این اوراق باشند، گاه‌به‌گاه می‌توانند بگویند این تأملات حقیقت یا تفسیری است که من ذهن معلم را بدان معطوف داشتم؛ ولی آنان پانوشتهایی نخواهند یافت که قدردان سهم ایشان باشد. دانشجویان همکاری که درباره موضوعات مربوطه قلم زده‌اند، نیز چنین خواهند بود؛ با وجود این وقتی این دین‌های نامشخص را به اعضای جامعه گسترده‌ای که می‌شناسم، ارج می‌گذارم، لذت من بیش از شرمساری است.

من از دینم به آن الهیات‌دان و تاریخ‌دانی که در سراسر زندگانی‌اش دل مشغول مسئله کلیسا و فرهنگ بود (ارنست تروئلش)^۱ به‌غایت آگاهم. کتاب حاضر به یک معنا چیزی بیش از ضمیمه یا بعضاً تصحیحی بر کار او با عنوان آموزه‌های اجتماعی کلیساهای مسیحی نیست. تروئلش به من آموخت چندشکلی و فردیت انسان‌ها و جنبش‌ها در تاریخ مسیحی را احترام بگذارم و به تحمیل قالب‌های مفهومی پیش‌ساخته بر این تنوع غنی میلی نداشته باشم و در عین حال در افسانه‌ها (میتوس) دنبال لوگوس، در تاریخ دنبال خرد و در هستی دنبال ذات باشم. او مرا یاری کرد تا نسبت موضوعات تاریخی، بلکه بیش از آن، نسبت سوزه تاریخی و ناظر و مفسر را بپذیرم و از این پذیرش بهره‌مند باشم. اگر من نوشتارم را تلاشی برای تصحیح تحلیل‌های تروئلش از مواجهه‌های کلیسا و جهان می‌دانم، در اصل بدان سبب است که تلاش می‌کنم این نسبی‌گرایی تاریخی را در پرتو نسبی‌گرایی الهیاتی و خدامرکزی^۲ بفهمم. بر این باورم که مطلق‌انگاری امر متساهی گمراهی

1. Ernst Troeltsch.

2. Theo-centric.

ایمان و خرد است؛ ولی اعتقاد دارم که تمام این تاریخ نسبی از انسان‌ها و جنبش‌های متناهی، تحت حکومت خدای مطلق قرار دارد. سوره دهم از کتاب اشعیا، ۱۲ از رساله اول به قرنطیان و شهر خدا اثر آگوستین به بستری^۱ اشاره دارند که در آن نسبت‌های تاریخی معنادار می‌شوند. در تحلیل پنج گونه اصلی که من جانشین سه گونه ترونلش کرده‌ام، بیشترین کمک را از اثر پروفیسور اتین ژیلسون با عنوان خرد و وحی در قرون میانه و همین طور از مطروحه‌های ثمربخشی از کتاب سی جی یونگ با عنوان گونه‌های روان‌شناختی گرفته‌ام.

در درازنای این تلاش بسیاری از همکاران، خویشان و دوستان با رأی، نقد و تشویق خود یاری‌ام کرده‌اند تا در بیان تأملاتم یکپارچگی و دقت لازم برای یک ارتباط نوشتاری را داشته باشم؛ آن هم در پیچیدگی داده‌هایی که من با آنها روبرو بودم. سپاس ویژه من نثار همکارانم (پروفیسور پاول شوبرت و ریموند موریس)، خواهر و برادرم (پروفیسور هولدا نیبور و پروفیسور رینولد نیبور)، آقای دادلی زوور و هارپر آند برادرز که با پیشنهادشان آخرین فصل افزوده شد، نثار دخترم و خانم دوروتی آنسلی که در تایپ کمک کردند، نثار پروفیسور ادوین پنیک که دقیق‌ترین توجه خود را برای تأیید اوراق و ضمیمه‌کردن نمایه مبذول داشت و نثار همسرم. من قدرشناس عنایت مهربانانه‌ای هستم که رئیس استیت و همکارانش به من مبذول داشتند و از نقش آنها در کمک برای رساندن این اثر به وضع کنونی‌اش سپاسگزارم.

نیو هون، کنتیکت

اچ ریچارد نیبور

پیشگفتار

مسیح و فرهنگِ اِچ ریچارد نیبور، یک اثر کلاسیک است. اثر کلاسیک، کاری نبوغ‌آمیز است که وقتی توانست نشانه‌های خود را به جای بگذارد، فرهنگ متأخر باید آن را در شمار بیاورد.

ساکنان فرهنگ غرب نمی‌توانند سراغ جهانی فکری‌ای که پیش از نوشته‌شدن سرمایه کارل مارکس درباره سرمایه وجود داشت، بروند، بی‌آنکه با اثر او و نشانه‌هایی که بر جای گذاشته است، مواجه شوند. شهروندان فرهنگ‌های غرب نیز نمی‌توانند ورای مفاهیم و ادراکات زیگموند فروید از روان بروند، وقتی او آزمون‌ها، ابداعات و نوشتارهایش را به جا گذاشته است؛ برای نمونه کسانی که از آثار این دو نویسنده کلاسیک آگاه‌اند، می‌توانند ضد مارکس یا شبه‌مارکسیستی باشند. آنها می‌توانند انتخاب کنند که نافروریدی باشند یا پساافریدی؛ ولی در پاسخ‌های غالباً آگاهانه و بعضاً ناآگاهانه به کلاسیک‌های خودشان، اندازه‌ای از تعریف و طراحی خود را خواهند داشت.

غرب در جهان‌های دین و فلسفه، آثار کلاسیکی از کسانی چون آگوستین، پاسکال و کیرکگارد به ارث برده است. «دو شهر» آگوستین، «خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، نه خدای فلاسفه» پاسکال و «شرط‌بندی‌اش» بر آن خدا و «این

یا آن»^۱ کیرکگارد آگاهی و چشم انداز را شکل داده‌اند؛ پس آثار آنان برای هر کسی که بخواهد به کشت و کار آنها سرک بکشد، به مثابه الگوها، کهن الگوها یا کیسه بُکس‌های استعاری عمل خواهند کرد. در سده‌ای که به تازگی تمام شده است، آثار دین‌اندیشان بسیاری، نشانه و ردی همچون کلاسیک‌ها از خود به جا گذاشته‌اند. هر کس به من و تو اثر مارتین بوبر اندیشیده باشد، ممکن است با آن اثر درباره گفتگو و ملاقات مخالفت کند؛ ولی نمی‌توان زندگی را سپری کرد، بی‌آنکه به گونه‌ای غریزی درباره تفاوت من/ تو^۲ و من/ این^۳ تأمل نمود. کسانی که زمانی به جانمایه پاول تیلیچ از شوق به بودن پاسخ داده باشند یا کسانی که با ایشان آموخته‌اند تا خود را مقبول به شمار آورند باینکه قبول ناشدنی‌اند، احتمالاً دیدگاه‌هایی تازه از واقعیتی که این جانمایه‌ها بدان اشاره می‌کنند، دارند.

در آمریکای شمالی، جایی که چهار تن از پنج تن در نیمه قرن و در پایان آن وقتی از وفاداری و تبعیتشان سؤال می‌شود، خود را با مسیحیت معرفی می‌کنند، صدها هزار اثر ادبی در پشتیبانی از ایمان و الهیات منتشر شده است. بسیاری از این آثار بی‌تردید مأموریت‌های نویسندگان خود را به انجام رسانیده و توجهات تحسین‌برانگیزی را دریافت داشته‌اند؛ ولی بسیاری از این آثار را اکنون تنها متخصصان می‌خوانند. تنها دو یا سه عنوان از آنها در طول دهه‌ها آثاری کلاسیک شمرده شده‌اند و کتابی که در دست شماست، یکی از آن آثار است.

در آغاز سده بیستم فیلسوف و روان‌شناس، ویلیام جیمز گوناگونی تجربه دینی

1. Either/Or.

2. I/Thou.

3. I/It.

را منتشر کرد. من درحالی که داشتم ویراست تازه‌ای از این کتاب را ویرایش می‌کردم و بر آن پیش‌گفتاری می‌نوشتم، معرفی‌های صورت گرفته از این کتاب از سال ۱۹۰۲ را مرور کردم. از روز اول منتقدان پرحرارتی وجود داشتند؛ ولی از روز دوم هم آنها و نیز اغلب حامیان جیمز دلشان گواهی می‌داد که در قرن پیش رودر آمریکا این اثر می‌تواند به مهم‌ترین کتاب درباره دین تبدیل شود. برخی از تمیزهای جیمزی مانند تمیزی که وی میان دین افراد سلیم‌الذهن و دین افراد دارای روح گناهکار و بیمار طرح کرد، هنوز هم در ذهن خوانندگان می‌ماند.

در حوالی میانه قرن، دو مؤلف پروتستان آمریکایی آثاری کلاسیک نوشتند که از آن هنگام به بعد تفکر دوست و دشمن را تعیین کرده است. خوشبختانه این دو الهیات‌دان برادر بوده‌اند. رینولد نیور بیان‌هایی کلاسیک درباره طبیعت سرنوشت انسان داشته و اچ ریچارد نیور کتاب‌های وزین بسیار دیگری نوشته است که برخی از آنها را سوی الهیات‌دان‌های نظام‌مند مورد بحث قرار داده‌اند؛ اما در مسیح و فرهنگ نشانه‌ای به جا گذاشته و نسل‌های آینده را با تعاریف و تمیزاتی بهره‌مند کرده است. سالکان و دانشوران بوداگرایی و هندوگرایی کلاسیک‌های خودشان را می‌پروراندند که برخی از آنها ممکن است نقش خود را در فرهنگ‌هایی که ما غربی می‌نامیم، به خوبی بر جای بگذارند. بسیاری از آنان می‌توانند واجد چیزی باشند که نیور آن را «مسئله پایدار» می‌نامد؛ مسئله‌ای که با نسبت یک جماعت ایمانی با محیطش کار دارد و در مورد نیور به طور خاص نسبت مسیح و فرهنگ است. برخی از تمیزها و بینش‌های او را می‌توان برای تنویر پژوهش در رابطه با دیانت‌های دیگری به‌جز مسیحیت نیز به کار بست. البته یهودیان عموماً در زندگی‌های دینی یا الهیات خود به مسیح مراجعه نمی‌کنند؛ با این حال آنها نیز می‌توانند تناظرهایی آگاهی‌بخش در اثر نیور بیابند.

این چنین چهارپنجم جمعیتی که خود را به گونه ای مسیحی معرفی می کند، با مسئله منتخب نیبور از ربط دادن مسیح به فرهنگ سروکار دارد. شمار کمی این کار را به روش الهیات دان ها، فلاسفه، کشیشان و نقادان فرهنگی (با ارجاع به تفکر رسمی مانند تفکر نیبور) در پیش خواهد گرفت. برخی با استفاده از زبان و چارچوب هایی که در فرهنگ عامیانه، سیاست، کنش اجتماعی و زندگی جماعت ها می یابند، در راستای پارسایی ها و فعالیت های شخصی شان آن را انجام خواهند داد. آنها می توانند از رهگذر زبان عامیانه، موسیقی عامیانه، کاریکاتورها یا سرمقاله ها این کار را انجام دهند؛ ولی هر جا که می خواهند از دادگاه های دیوان عالی سکولار و دانشگاه های سکولار داد و فغان کنند، از این تمیزها بهره می برند؛ همچنین هنگامی که فکر می کنند نظام کسب و کار آزاد یا برخی دیگر از شاکله های اقتصادی معادل ملکوت خداوند است یا وقتی همزمان به خداوند کلیسای نخستین^۱ و خداوند ملتی در جنگ سرد با یک امپراتوری شیطانی یا در تعقیب تروریست هایی که آنها را کافر می بینند، اظهار سرسپردگی می کنند.

بسیاری از آنها بی آنکه مسیح و فرهنگ را خوانده باشند، می توانند به خوبی عمل کنند؛ ولی اگر به عنوان استاد دانشگاه، مبلغ فرقه ای، کشیش یا روحانی یا سردبیر به دقت مسیح و فرهنگ را خوانده باشند و بینش هایش را به گونه ای درونی کرده باشند که این بینش ها منتقل گردد و بخشی از ابزار ذهنی اندیشه ورزانه دیگران شود، روشن تر استدلال و صحبت خواهند کرد و تصمیمات خردمندانه تری خواهند گرفت.

من بر این کتاب پیش گفتار می نویسم و آن را به نسل تازه ای از خوانندگان

1. First Church.

می‌سپارم که آماده‌اند نیبور را از نو در فرهنگی دگرگون‌شده که البته ثوابت بسیاری را در خود نگه داشته است، خوانش کنند. آنها مجبور خواهند بود قدری ترجمه و به‌روزرسانی کنند؛ ولی این مسئله مشکلی نخواهد بود؛ به هر حال خوانندگان ارسطو و تامس جفرسون نیز باید همین کار را بکنند.

باید دانست بسیاری از کسانی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند (به گونه‌ای سرسپرده مسیح‌اند)، با جماعتی که عیسی مسیح را در آیین‌هایشان در کلیسا تجلیل می‌کنند، سروکاری ندارند؛ با این حال نیبور در اولین خط از سپاسگزاری سخن خویش از کشمکش مضاعف کلیسا با خدای خود و جامعه فرهنگی‌ای که در همزی‌گری با آن روزگار سپری می‌کند، سخن می‌گوید. البته همه درگیر این کشمکش نیستند؛ با این حال بیشتر آنچه نیبور می‌گوید، نه در خطاب به فرهنگ کلیسا، در خطاب به فرهنگ افرادی است که مسیح (موضوع وفاداری و سرسپردگی‌شان) را به جستجو برای معنا و ارزش‌ها، به جهان‌های سیاست و مسائل اجتماعی، به ژرف‌ترین باورها و آرزوهایشان مرتبط می‌کنند.

خدای نکرده اشتباه نشود، بگذارید بگویم اگر هنگام خواندن این اثر مراقب نباشیم، ممکن است به اشتباه احساس شود که نیبور دارد از گونه‌ها به نحوی بهره‌برداری می‌کند. او در اینجا این کار را با حالت‌های مسیح علیه فرهنگ، مسیح فرهنگ، مسیح بالاتر از فرهنگ و مسیح دگرگون‌کننده فرهنگ و همین طور مسیح متناقض^۱ با فرهنگ انجام می‌دهد. نیبور در تمام این پنج مورد به دنبال جانمایه‌های بنیادین است. او دارد ساحت‌ها را می‌آفریند، نه آنکه قالب‌های اندیشه خود را تحمیل کند و سیلوهایی مهر و موم شده بسازد که

1. Paradoxical.

نویسندگان مسیحی را در آن محبوس سازد؛ کسانی که آنها را در تحلیل خود می‌آورد تا نشان دهند مسیحیان به چه طرُقی با فرهنگ مسلط زمانه خود در حال کشتی گرفتن بوده‌اند.

چند نمونه: من می‌توانم صمیمانه پشت سر «کشتی‌گیرانی» راه بروم که در حال انجام دادن کنشی علیه یا متعلق به «فرهنگ هستند. هر دو، انتخاب کسی با ایمانی از نوع من یا چشم‌انداز و تعهد الهیاتی من نیستند و هرگز نبوده‌اند. من بدون تعصب فرقه‌ای و حقیقت‌جویانه می‌توانم برای نمونه از تولستوی یک فرقه‌گرا یا پیامبر یا قدیس یا آدم ترشروی که جانمایه «علیه» را به شدت ممارست می‌کند، بیاموزم؛ ولی این بینش و دیدگاه من نیست؛ اما احتمالاً استفاده نیبور از این تمییز برای کسانی که قطعاً خود را با طرد فرهنگ هویت‌بخشی می‌کنند، کمک‌کننده است. این امر به کسانی که طردکنندگان را دور می‌رانند، کمک خواهد کرد تا طردکنندگان را بهتر از قبل درک کنند.

همچنین درباره کسانی که مسیح را به درون فرهنگ ویران می‌کنند یا به‌عکس، در بهترین حالت می‌توان بی‌اعتنا بود و در بدترین حالت می‌توان به دیده تحقیر به آنها نگریست. بسیاری از کسانی که این روزها خود را وقف معنویت در مقابل دین یا ایمان یا کلیسا می‌کنند، متمایل به فلسفه غنوصیه یا ادرتیه‌ای^۱ هستند که نیبور در این مقوله یا گونه توصیفشان می‌کند. برخی افراد مسیحیت و عصر جدید^۲ را به‌سادگی قابل مقایسه می‌بینند، همچنین افرادی متعهد به یافتن کیهانی هستند که از انرژی و روابط ساخته شده باشد، این افراد در یافتن انرژی در مسیح و

1. Gnosticism.

2. New Age.

وصل کردن تجهیزات درون خودشان برای اثبات مسیح و دیدن او در هیئت یک آواتار^۱ یا گورو^۲ هیچ مشکلی ندارند.

دیگران به فلسفه ادریه نیاز نخواهند داشت. آنها به آن فیلسوف آلمانی، آلبرشت ریتشل^۳ که نیور بدو ارجاع می دهد، با پروتستانیزم - فرهنگش احتیاجی ندارند و نیازی نخواهند داشت تا صدای شخصیتی قرون وسطایی (آبلار) را گوش دهند که در هجران هلونیز می سوزد تا مسیح فرهنگ نیور را درک کنند. آنها می توانند هنگامی که برخی از مکاتب اندیشه پوزیتیو و تأییدکننده فرهنگ داد سخن داده، خود را عرضه می کنند، گوش به زنگ باشند و این جانمایه را به دست آورند.

اما درباره مسیح بالاتر از فرهنگ چه؟ این انتخاب سوم درخور کسانی است که به دنبال برهم نهاد^۴ مسیح و فرهنگ اند و سپس با آسودگی در جهانی مختلط که واجد نوع خاصی از سرسپردگی به مسیح است، می زنند، ولی نه به طریقه «این یا آن» [کپرگاردی]. برای آنها «هم این/هم آن» حاکم است. این رهیافت برهم نهادی که تامس آکونیناس به گونه ای کلاسیک آن را صورت پردازی کرده است، به تدریج جذبه بیشتری برای نوع من می یابد. من تصورم را می کنم که بسیاری از خوانندگان عمیقاً خویش را با مقوله مسیح بالاتر از فرهنگ هویت بخشی می کنند. این هویت بخشی آنها را به طرق هم آهنگی و برهم نهادی کمک خواهد کرد.

1. Avatar.

2. Guru.

3. Albrecht Ritschl.

4. Synthesis.

اگر بسیاری از مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس با تامس و برهم نهادگران هم‌صف می‌شوند، دو ساحت اخیر برای اغلب پروتستان‌های خط اصلی دارای جذبه خواهد بود. هر دو گروه در هوای ترقی‌گرایی‌ای^۱ که روزگار درازی است در اقلیم اطرافشان منتشر شده است، تنفس کرده‌اند و در عین حال مجبورند در اقلیمی باشند که هوایش آلوده شده است. به هر دو می‌توان هشدار داد که با احتیاط تنفس کنید.

دومین مقوله از این گونه‌ها (مسیح دگرگون‌کننده فرهنگ) در آمریکای شمالی تأثیر بیشتری داشته و محرکی برای برخی از مسیحیان جهت به‌تشریف‌درآوردن^۲ فرهنگ، متأثر از آگوستین و دیگران در طول قرن‌ها مسیحیت بوده است. این رویکرد در آنچه ما می‌توانیم عالم پروتستانی‌ای بنامیم که در آن پروتستان‌های خط اصلی حاکم بر نوشتار نیبور هستند، رونق گرفت. اکنون یکپارچگی این عالم پروتستانی را عالم انجیلیان^۳ به چالش کشیده شده است؛ این انجیلیان می‌خواستند آمریکای از نوزاده‌ای را ببینند که قوانین و وضع خود را در دوستی و سازگاری با نسخه ایمانی‌شان تصویب و تعیین می‌کند. گفته شده است که از رهگذر این قوانین و نهادها، افراد و کلیساها و ملت می‌توانند به دگرگون‌کردن جهان یاری رسانند. آنها می‌توانند «ملکوت را بیاورند». از زمان پاکدینان^۴ سده هفدهم تا انجیل اجتماعی^۵ سده بیستم، زبان کتاب مقدس این محرک را تغذیه

1. Progressivism.

2. Converting.

3. Evangelicaldom.

4. Puritans.

5. Social Gospel.

می‌نموده است. این زبان - در شکل شبه‌سکولار خود - در سیاست ترقی‌گرا نیز قدرتمند باقی مانده است.

اینک «مسیح و فرهنگ در تعارض»؛ برای مثال این برای افرادی با تصورات دیالکتیک است هنگامی که با هم‌خانگی پولسی و لوتری با ثنویت و تضاد نسبت برقرار می‌کنند. در این ساحت از تعارض، مردم هرگز باور ندارند که حقیقتاً فرهنگ را دگرگون و متبدل می‌کنند. آنها فرهنگ را با مسیح متجانس‌تر خواهند نمود؛ گرچه باید درون آن مسئولانه عمل کنند. پاول تبلیغ هنگامی که نشان می‌داد چگونه با تعارض (پارادوکس) زیسته است، از این معنا سخن می‌گفت. وی گفت که چگونه چونان یک مهاجر یا تبعیدی بینش دگرگون‌کننده به سوسیالیسم دینی اروپایی را با خود آورده است؛ سوسیالیسمی که نظیر خود را در انجیل اجتماعی آمریکایی و اسلاش داشت؛ در عین حال وی به اندازه کافی لوتری بود که تشخیص دهد امر شریر،^۱ این بُعد از عاقبت^۲، در ساختارهای هستی نفوذ می‌کند و همیشه نفوذ خواهد کرد. من از «مسیح و...» ها نه به عنوان مقولات، بلکه چونان ساحت‌ها سخن گفته‌ام؛ از این رو راننده‌ها وقتی به بیمارستان‌ها نزدیک می‌شوند، علامتی می‌بینند که به آنها می‌گوید «ساکت و آرام، وارد ساحت بیمارستان می‌شوید». هیچ مکان ویژه‌ای وجود ندارد؛ نه پنج یا پنجاه پا پیش یا پس از علامتی که کسی «وارد می‌شود». تقریباً هیچ علامتی وجود ندارد که بگوید «ساحت بیمارستان را ترک می‌کنید»، پس می‌توانید سروصدا کنید یا سریع برانید. همین امر درباره مقوله‌های نیبور نیز صادق است.

1. The Demonic.

2. The End.

به عنوان تصویری از زمینه‌های مورد علاقه‌ام کالون و پیروانش تجسم محرک‌های مسیح دگرگون‌کننده فرهنگ در رابطه با سیاست‌اند. لوتر در این اثنا نیاز دارد تا ثنوتی را برقرار کند؛ دو پادشاهی. یکی از آنها همیشه نمایانگر راهی است که امر شریر در ساختارهای هستی نفوذ می‌کند؛ ولی هنگامی که این امر به تأیید تصاویر ساختمان کلیسا مربوط می‌شود (هنرها و موسیقی)، لوتر است که فرهنگ را تأیید می‌کنند. وی موسیقی را درست تحت الهیات در برنامه الهی قرار می‌دهد و اغلب حتی به گونه‌ای عمل کرده است که گویی موسیقی از الهیات می‌آید. وی ثنوت را آنجا به کمینه می‌رساند و دست کم در برخی از ابعاد فرهنگ امکان تشرف و ایمان آوردن را می‌بیند.

اگر من به بازی کی داخل کدام ساحت است و کی بیرون آن نزدیک شده و این کار را درباره بازیگرانی که برای خود به خوبی آشنا هستند، انجام داده‌ام، چه بهتر. من دیگر خوانندگان را ترغیب می‌کنم تا فصل‌هایشان را با شخصیت‌های مناسب دیگر شلوغ و علامت‌های خود را نصب کنند و طراحی‌ها و برچسب‌هایی به انتخاب خود مهیا نمایند. تقریباً هیچ کس تعلق محض به یکی از گروه‌ها نخواهد داشت؛ ولی تلاش‌های ما برای قراردادن آنها می‌تواند کم‌کم کند تا خودمان را - چه باورمند باشیم و چه نباشیم - در نسبت با دیگرانی که در حال شکل‌دادن انواع تعهدات و تعلقات هستند، جایابی کنیم. ما این دیگران را در سوپرمارکت‌ها، بازی فوتبال، تجمعات، کلاس دانشگاه، کتابخانه و هر جای دیگری که شهروندان به هم بر می‌خورند، کنار هم می‌نشینند و با یا علیه هم کار می‌کنند، می‌بینیم.

مسیح و فرهنگ مانند اغلب آثار کلاسیک، یک اثر آسان نیست و از خوانندگان تقاضاهایی دارد. کسانی از ما که درباره اچ ریچارد نیور زیاد می‌اندیشیم و آثار او را به گونه‌ای منسجم می‌خوانیم، می‌دانیم که وی به ندرت

کلمه‌ای را بیهوده استفاده می‌کند و هرگز نمی‌گذارد پاراگرافی هرز برود؛ همچنین احساس نمی‌کند که نیاز است صفحه‌ای را با مطالب بیهوده یا حکایت‌ها سبک کند. بسیاری از کسانی که وی درباره‌شان سخن می‌گوید، برای اغلب کسانی که دانشگاهی و/یا حرفه‌ای‌های دینی نیستند، ناآشنا خواهند بود؛ ولی قلم او مبهم و غامض نیست و خوانندگانی که به او بخت خواهند شدن بدهند، هم در سبک و هم در محتوا از او پاداش خواهند گرفت. خصیصه کلاسیک این اثر احتمالاً خود را از نو در میان بسیاری از خوانندگان مانند من که ملاقات ایمان مسیحی و جهان را از طریق چارچوب نیبور خواهند دید، ثابت می‌کند. مسیح و فرهنگ فضیلت این را دارد که در هر نیم قرن در ویراست‌های تازه ظاهر شود. احتمالاً وقتی ۲۰۵۱ از راه برسد، از پا نیفتاده باشد.

مارتین ای مارتی^۱

فیرفکس ام‌کن

استاد ممتاز بازنشسته دانشگاه شیکاگو

اکتبر ۲۰۰۱